

Sanctions as State's Violation of International Obligations in Protection of Human Rights

Seyed Ghasem Zamani¹, Kazem Gharib Abadi²

Abstract

The main purpose of economic sanctions is to exercise pressure on one country or governing state to force it to abide by a specific attitude or action, and finally these are the people in target state who feel the severest consequences of sanctions. Human rights is one of the most important aspects of international law and a vital issue the international community is dealing with. Violation of basic principles of international law by imposing economic sanctions will fall also in the rein of international human rights.

Hence, it is necessary to note that Security Council, unilateral and secondary sanctions will have severe consequences on human rights.

In accordance with international law, the states are the main actors in the process of treaty building and the main task to ensure protection of human rights rests on them and they are legally responsible in case of its violation. Sanctions not only affect the life of those who live in the territory of the target state, but also affect the rights of individuals. This has been globally accepted that the comprehensive sanction regimes will have destructive effect on the enjoyment of right to health and right to food by the population in the target state. Sanctions have dramatic consequences on the rights which have been recognised by the International Covenant on Economic, Social and Cultural rights. Sanctions mostly endanger the right to life and severely affect the functioning of educational and health systems and diminish rights such as right to work, adequate life standards, development and self-determination.

1. Associate Professor, Faculty of Law and Political Sciences, University of Allameh Tabatabaei, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

Email: drghzamani@gmail.com

2. PhD Candidate in Public Law, Pardis of University of Allameh Tabatabaei, Tehran, Iran.

Keywords

Sanctions, Human Rights, Legal Responsibility, Sanctions' Effects, Smart Sanctions

Please cite this article as: Zamani SG, Gharib Abadi K. Sanctions as State's Violation of International Obligations in Protection of Human Rights. Iran J Med Law 2017; 11(40): 111-135.

تحریم‌ها به مثابه تقض تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در زمینه حمایت از حقوق بشر

سیدقاسم زمانی^۱

کاظم غریب‌آبادی^۲

چکیده

تحریم‌های اقتصادی به مثابه اهرم‌های فشار بر دولت‌ها، به نحو مستقیم و غیر مستقیم، تأثیرات سوء بسیاری بر «شهروندان دولت‌های مورد تحریم» و نیز «حقوق سایر اشخاص غیر مقیم در آن دولت‌ها» بر جای می‌گذارد و در حوزه حقوق بین‌المللی نیز، به ویژه تحریم‌های یک‌جانبه، ثانویه و تحریم‌های شورای امنیت، ابعاد مختلف حقوق بشر را به سان اصول اولیه این شاخه حقوقی تحت شعاع خویش قرار داده است.

دولت‌ها که به عنوان اصلی‌ترین بازیگران در فرآیند معاهده‌سازی تلقی می‌شوند، مکلف به تضمین و حمایت از حقوق بشر بوده و در صورت نقض آن، واجد مسؤولیت حقوقی می‌باشند. این پژوهش با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی این یافته را تبیین خواهد نمود که در پی تحریم‌های اقتصادی، ابعاد مختلف حقوق مندرج در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی من جمله حق حیات مورد تضییع قرار می‌گیرند و عملکرد نظام‌های رفاهی، آموزشی و بهداشتی در زمینه‌هایی از قبیل حق کار، غذا، استانداردهای مناسب زندگی، توسعه و تعیین سرنوشت و... به شدت تحت شعاع قرار گرفته و مختل می‌گردد.

واژگان کلیدی

تحریم‌ها، حقوق بشر، مسؤولیت حقوقی، آثار تحریم‌ها، تحریم هوشمند

۱. دانشیار، حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

Email: drghzamani@gmail.com

(نویسنده مسؤول)

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، پردیس شماره دو، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

مقدمه

یکی از ابزارهای سیاست خارجی دولتی یا فرادولتی در راستای اعمال فشار بر یک کشور و یا دولت حاکم بر آن، اعمال تحریم‌های اقتصادی دولتی است که در نهایت، فشار زیادی را بر شهروندان دولت‌های مورد تحریم بر جای می‌گذارد و از این جهت، انتقادهای بسیاری را به دنبال داشته است. اصطلاح «تحریم‌های اقتصادی» در حوزه حقوق بین‌المللی، اصطلاحی بسیار مبهم است (۱) و نقض حقوق بشر در پی اعمال این تحریم‌ها، مسأله‌ای اساسی است که جامعه بین‌المللی آن را دنبال می‌نماید. حمایت از حقوق بشر به سان یک معاهده بین‌المللی که دولت‌ها در پیدایش آن از اواخر قرن بیستم با هدف اصلاح و بهبود نقش‌آفرینی داشته‌اند و تضمین عملی آن توسط دولت‌ها، یک تکلیف بین‌المللی به شمار آمده و نقض حقوق بشر به هر دستاویزی، موجبات تحقق مسؤولیت حقوقی دولت‌ها را فراهم می‌سازد (۲).

دکترین «حقوق بشر مدرن» و احترام بدان، در منشور سازمان ملل متحد نیز مفهوم‌سازی شده است و در مقدمه این منشور مقرر شده است «دولت‌های عضو این منشور ایمان خود به حقوق اساسی بشر، حیثیت و ارزش شخصیت انسانی و تساوی حقوق مرد و زن بین ملت‌ها اعم از کوچک و بزرگ را مورد تأکید مجدد قرار می‌دهند» (۳). با این وجود، «بنیان حقوق بشر» بر اعلامیه جهانی حقوق بشر به مثابه پیش‌نیاز تمامی میثاق‌های منطقه‌ای استوار گردیده است که به اتفاق آراء، توسط مجمع عمومی سازمان ملل در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب رسید (۴)، البته این اعلامیه ضرورتاً به عنوان یک ساز و کار حقوقی الزام‌آور به شمار نمی‌رود (۵). با این وجود، توسعه حقوق بشر و جهانی‌سازی آن، در دهه‌های بعد از انتشار اعلامیه حقوق بشر در قالب تهیه و تصویب کنوانسیون‌های مرتبط با حقوق اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، مدنی، زنان، کودکان، اقلیت‌ها و پناهندگان جلوه‌نمایی نمود (۶) و نهادها و سازمان‌های ویژه نظارت بر حقوق بشر و اجرای آن در دولت‌ها به وجود آمدند.

امروزه، رژیم بین‌المللی حقوق بشر، بر حقوق بین‌الملل عرفی مشتمل بر قواعد آمره و تعهدات «غیر قابل تخطی (Erga Omnes)» نیز استوار شده است. نقطه مقابل «تعهدات غیر قابل تخطی»، «تعهدات قراردادی و معاهده‌ای» است که یک دولت در قبال دولت دیگر پذیرا شده است. از این رو «تعهدات غیر قابل تخطی» تعهداتی دولتی با هدف احترام به حقوق بشر و

عدم نقض آن‌ها می‌باشند که در قبال جامعه بین‌المللی به وجود آمده و کشورهایی که حتی عضو معاهدات حقوق بشری نمی‌باشند نیز مکلف به تضمین و رعایت آن‌ها می‌باشند. همچنین ورود آثار مخرب همه‌جانبه رژیم تحریم‌های اقتصادی بر ابعاد مختلف حقوق بشر نظیر حق بر بهداشت عمومی، حق بر غذا و...، امروزه امری مقبول و یقینی در سطح جهانی به شمار می‌رود (۷). در این مقاله، موضوعاتی نظیر چگونگی تعهد سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌ها نسبت به تضمین و رعایت حقوق بشر، اشکال مختلف محدودیت‌های حقوق بشری تحریم‌ها و آثار حقوقی و غیر حقوقی آن‌ها در حوزه‌های مختلف حقوق بشر مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. فرضیه این پژوهش بر این اصل اساسی استوار است که به طور کلی، تحریم‌ها اعم از آنکه یک‌جانبه بوده یا از ناحیه شورای امنیت اعمال شوند، ناقض حقوق بشر بوده و حق شهروندان بر بهره‌مندی از این حقوق را تضییع می‌کند. از این رو واضعان تحریم‌های ناقض حقوق بشر، واجد مسؤلیت حقوقی می‌باشند.

تعهد سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌ها نسبت به حقوق بشر

ارتقای جایگاه حقوق بشر در سطح جامعه جهانی، به ویژه با تشکیل سازمان ملل متحد پُررنگ‌تر گردید و تعهدات دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی نسبت به رعایت موازین بین‌المللی حقوق بشر که غالباً پیش‌تر به عنوان قواعد الزام‌آور عرفی حقوق بین‌الملل شناخته می‌شد، در قالب تنظیم معاهدات بین‌المللی نمایان گردید. همچنین اسناد غیر الزام‌آوری موجود می‌باشند که هم‌اینک می‌تواند مستندی بر لزوم رعایت حقوق بشر در تحریم‌ها مورد استفاده قرار گیرند. در این مسیر می‌توان به قطع‌نامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به ویژه اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز مصوباتی که در مقام تشریح یک ماده از منشور در زمینه لزوم احترام و ارتقای حقوق بشر وضع شده‌اند، اشاره نمود که در زمره مهم‌ترین اسناد غیر الزام‌آور شمارش می‌شوند. اهمیت قطع‌نامه‌های مجمع عمومی که واجد جنبه توصیه‌ای و غیر الزام‌آور هستند، به این جهت است که آن‌ها با استناد و اتکا به اسناد الزام‌آور حقوق بشر صادر می‌شوند و مورد پذیرش قریب به اتفاق کشورهای جهان در مجمع عمومی قرار می‌گیرند (۸).

حقوق بشر بین‌المللی به اعتقاد اکثر صاحب‌نظران، تحدیدگر سازمان ملل متحد در مسیر تحریم‌ها به شمار می‌رود. سازمان ملل متحد که متشکل از کشورها بوده و فاقد عضویت اسناد

بین‌المللی تضمین‌گر حقوق بشر است، قطع‌نامه‌های صادره از سوی مجمع عمومی آن، در زمره اسناد حقوقی به شمار نمی‌رود و فاقد جنبه الزام‌آوری و تعهدآوری نسبت به اعضا و سازمان ملل است. از این رو تنها تعهد حقوقی که می‌تواند به نوعی تحدیدگر سازمان ملل متحد قرار گیرد، حقوق بین‌الملل عمومی است. احترام به منشور سازمان ملل متحد به عنوان سند مؤسس این سازمان که متضمن ترویج حقوق بشر است، یک تکلیف الزامی برای سازمان به شمار می‌رود. از این رو شورای امنیت سازمان ملل متحد چنانچه اقدام به نقض حقوق بشر از مسیر اعمال تحریم‌های اقتصادی تحت فصل هفتم منشور ملل متحد نماید، مقاصد خود را اجرا نکرده است (۹).

به موازات توجه به این نکته که رژیم تحریم‌ها بر مفهوم اجرای کشورها استوار است، این مسأله تاکنون چالش‌های عدیده‌ای در مورد اقدامات اجرایی کشورها در دادگاه‌های ملی و منطقه‌ای با استناد به نقض حقوق بشر ایجاد کرده است. به طور کلی، تحریم‌های اقتصادی اعم از یک‌جانبه و یا از ناحیه سازمان ملل متحد، به دلیل نادیده‌انگاری حقوق اساسی مردم‌ها در کشورهای هدف، در مغایرت با اصول و مفاد اسناد و معاهدات مختلف بین‌المللی قرار می‌گیرند.

محدودیت‌های حقوق بشری نسبت به اجرای اقدامات تحریمی

جواز تحدید حقوق بشر از سوی دولت‌ها و نیز شورای امنیت سازمان ملل متحد به هنگام اعمال اختیارات اجرایی خود، مسأله‌ای قابل تأمل است. بند دو ماده چهار میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مشتمل بر حقوق بشری غیر قابل تخطی است که باید توسط کشورها، حتی در شرایط اضطراری نیز محترم شمرده شوند. حق حیات، منع شکنجه، منع برده‌داری، حق آزادی اندیشه و عقیده و مذهب در زمره مهم‌ترین این حقوق‌ها به شمار می‌رود. شورای امنیت سازمان ملل متحد و دولت‌ها نیز، با توجه به آنکه این حقوق به مثابه گسترده‌ترین اشکال هنجارهای شکل‌دهنده قواعد آمره در سازمان ملل متحد تلقی می‌شوند، صرف نظر از این‌که تمامی اعضای آن میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی را تصویب کرده‌اند یا نه، نمی‌توانند آن‌ها را به عنوان حقوق قابل تخطی مد نظر قرار دهند.

دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه «Barcelona Traction» (مربوط به یک شرکت الکتریکی کانادایی مستقر در اسپانیا) به موضوع «تعهدات غیر قابل تخطی» در چارچوب حقوق

بنیادین بشر پرداخت و ضمن تشریح تعهدات غیر قابل تخطی، بر این مسأله تأکید نمود که باید یک تفکیک اساسی بین تعهدات دولت در قبال جامعه بین‌المللی و تعهدات نسبت به دولت دیگر در چارچوب حمایت سیاسی قائل شد. تعهدات دسته اول که از آن‌ها تحت عنوان تعهدات غیر قابل تخطی نیز یاد می‌شود، به لحاظ اهمیتشان به همه دولت‌ها مربوط می‌شوند و از این جهت، تمامی دولت‌ها می‌توانند برای حفظ آن‌ها دارای منفعت حقوقی باشند.

به موجب بند یک ماده چهار میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، حقوق قابل تخطی صرفاً در شرایط اضطراری قابل عدول می‌باشند.

در رابطه با تحریم‌های شورای امنیت نیز، این سؤال مطرح می‌شود که آیا وضعیت‌هایی که این شورا به مواد ۴۱ و ۴۲ منشور ملل متحد متوسل می‌شود، «وضعیت اضطراری» تلقی شده و شورای امنیت حق دارد حقوق حمایت‌شده در میثاقین را محدود نماید؟ بر طبق نظر کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، صرف تصمیم بر تحمیل تحریم‌ها به دستاویز ملاحظات صلح و امنیت بین‌المللی نمی‌تواند موجبی برای غیر قابل اعمال‌سازی و نادیده‌انگاری مفاد میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار گیرد و کشور تحت تحریم و جامعه بین‌المللی باید برای حمایت از اساسی‌ترین حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مردم کشور هدف، هر اقدامی را انجام دهند (۱۰). این جمع‌بندی کمیته می‌تواند به عنوان تأیید مجددی بر این انتظار از شورای امنیت باشد که باید بر طبق هنجارهای حقوق بشر که تحت نظارت سازمان ملل توسعه یافته‌اند، اقدام نماید. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که اختیار شورای امنیت برای محدود نمودن حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نمی‌تواند به عنوان مجوزی برای تعلیق این حقوق نیز تلقی شود.

تحریم، مجازات دولت‌ها یا ملت‌ها؟

نظریه سنتی تحریم‌ها بر این فرضیه استوار است که فشار از طریق تحریم به غیر نظامیان و مردم عادی کشور هدف، تبدیل به فشار به دولت آن کشور برای تغییر سیاست‌ها و اقداماتی که منجر به تحریم گردیده می‌شود. در حقیقت، رنج و مشقت مردم ناشی از تحریم‌ها باعث می‌شود که شهروندان، دولت خود را برای تغییر سیاست‌ها و رفتارهای منجر به تحریم، تحت فشار قرار

دهند. در این رویکرد، تحریم‌ها در مرحله نخست موجب افزایش محدودیت‌ها بر فعالیت‌های اقتصادی و تجارت جامعه شده و ظرفیت اقتصادی را تقلیل می‌دهد و در مرحله دوم، هزینه تحمیل‌شده بر شهروندان از طریق آن‌ها به سوی رهبران دولت هدایت شده و آن‌ها را تحت فشار قرار می‌دهد. این نظر با دو چالش حقوقی و کاربردی مواجه است؛ چالش حقوقی، پیامدهای فاجعه‌انگیز تحریم‌ها بر حقوق بشر است. چالش کاربردی نیز عدم تأثیر قابل توجه تحریم‌ها در تغییر سیاست دولت‌های تحت تحریم است (۱۱).

برای نمونه، تحمیل تحریم‌ها علیه عراق بعد از حمله رژیم صدام به کویت و اشغال این کشور، موجب افزایش وحشتناک گرسنگی، بیماری و مرگ شد. به جمعیت آسیب‌پذیر مانند زنان، کودکان و معلولین آسیب‌ها و صدمات سخت‌تری وارد شد. علی‌رغم این‌که تحریم‌ها استثنائاتی را در حوزه بشردوستانه و پزشکی قائل شده بودند، اما بر طبق گزارش ۱۹۹۸ یونیسف، نرخ مرگ کودکان زیر سن ۵ سال به بیش از ۴۰ هزار نفر در سال رسید که بیشتر از سال ۱۹۸۹ (یک سال قبل از وضع تحریم‌ها) بود (۱۲). نرخ بالای مرگ کودکان عمدتاً به خاطر اسهال، ذات‌الریه و سوء تغذیه روی داده بود. قبل از اجرای تحریم‌های سازمان ملل، سوء تغذیه یک مشکل عمومی در عراق نبوده است، اما بعد از اعمال تحریم‌ها صدها هزار کودک از نیازهای ضروری خود محروم شدند (۱۲).

در مجموع، این مشکلات موجب شد که جامعه بشری به سوی ارائه الگوی جدیدی از تحریم‌های گزینشی متمایل شود که از آن تحت عنوان «تحریم‌های هوشمند» یاد می‌کنند. این نظریه، در پی آن است که هزینه‌های انسانی تحریم‌ها را کاهش داده و حمایت بیشتر دولت‌های جهان را جلب نماید، اگرچه مجازات‌های هوشمند بین‌المللی به دلیل فراگیر بودن و حمایت بیشتر بین‌المللی، متفاوت از مجازات‌های سنتی است، با این وجود این مجازات‌ها نیز نمی‌توانند مانع ورود پیامدهای انسانی بر غیر نظامیان باشند و تفکیک دولت‌ها و رهبران حکومت‌ها از شهروندان آن‌ها به گونه‌ای که صرفاً آن‌ها هدف تحریم اقتصادی قرار گیرند، امری دشوار است.

معاف‌سازی اقلام بشردوستانه مثل غذا و دارو از شمول تحریم‌ها، در قطع‌نامه‌های تحریمی نیز به جهت روند نسبتاً سخت و پیچیده‌ای که برای تجویز ورود این قبیل اقلام به کشور تحت تحریم در نظر گرفته می‌شود، در عمل نمی‌تواند از نقض حقوق بشر جلوگیری کند و اقدامات بشردوستانه را با تأخیر و کندی مواجه می‌کند، زیرا بر خورداری از طیف گسترده‌ای از موارد

انکارناپذیر است، زیرا فقر فراگیر، وقفه در ارائه خدمات اجتماعی و کمبود غذا و دارو در نتیجه تحریم‌ها، گسترش بیماری و افزایش مرگ و میر را به دنبال دارد (۸).

حق حیات حتی در وضعیت‌های اضطراری هم غیر قابل سلب است و هسته اساسی و غیر قابل تضعیف مفاهیم حقوق بشری است. بر اساس ماده چهار میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، تحدید حق حیات به طور کلی برخلاف موضوع و هدف میثاق است. این ماده، نقض حق حیات موضوع ماده شش میثاق را، حتی در زمان پیدایش یک وضعیت اضطراری عمومی که تهدیدگر حیات ملت بوده و به طور رسمی نیز اعلام شده است، ممنوع اعلام کرده است (۱۱). کمیته حقوق بشر نیز حق حیات را به عنوان یک حق بی‌نهایت مهم انسان به رسمیت شناخته است که حتی در وضعیت‌های اضطراری هم نمی‌تواند نادیده گرفته شود (۱۵). کمیته حقوق بشر در خصوص توسعه مفهوم حق حیات به دقت بیان نموده است که «عبارت حق ذاتی حیات به طور مناسب در یک مثال محدود درک نمی‌شود و حمایت از این حق، نیازمند این است که دولت‌ها اقدامات مثبتی را اتخاذ نمایند» (۱۶).

مفهوم «حق حیات» که در ابتدا در معنای «ممنوعیت کشتن خودسرانه» به کار بسته می‌شد، به تدریج توسعه یافت و مشتمل بر طیف وسیعی از ابعاد حمایتی نظیر حمایت در مقابل سوء تغذیه و بیماری‌های اپیدمیک شده است. کمیته حقوق بشر در اظهار نظر عمومی شماره چهار اعلام نمود که برداشت محدود از مفهوم «حق ذاتی حیات» صحیح نبوده و کشورهای عضو باید تمامی اقدامات مثبت در راستای کاهش نرخ رشد مرگ و میر نوزادان و همچنین افزایش نرخ امید به زندگی، به ویژه با اتخاذ اقداماتی برای رفع سوء تغذیه و بیماری‌های اپیدمیک بردارند (۱۶). این تکلیف، با ماده شش کنوانسیون حقوق کودک تقویت شد که حق حیات را برای هر کودک به رسمیت می‌شناسد و از کشورها می‌خواهد تا به نحو حداکثری بقا و توسعه حقوق کودک را تضمین نمایند. از نگاه کمیته حقوق بشر، ایفای تعهداتی نظیر اقدام در راستای کاهش مرگ و میر کودکان به مثابه یکی از نقش‌آفرینی‌های دولت در حمایت از انسان، می‌تواند در افزایش نرخ امید به زندگی و حذف یا کاهش سوء تغذیه و بیماری‌های فراگیر مؤثر باشد (۱۷). از این رو رژیم تحریم‌های تحمیلی شورای امنیت نباید موجب عدم دسترسی افراد و کودکان به کالاها و خدمات اساسی و مورد نیاز برای تداوم حیات شود و هر

گونه اقدام عامدانه اعضا و شورای امنیت که اسباب تحدید حق بر دسترسی بر غذا و گرسنگی شود، منع شده‌اند (۱۸).

۲- حق غذا

حق غذا به مثابه یکی از حقوق اساسی بشر و در زمره یکی از تأکیده‌های مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به شمار می‌رود. بر طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر «هر انسانی سزاوار یک زندگی با استانداردهای قابل قبول برای تأمین سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش، از جمله تأمین خوراک، پوشاک، مسکن، مراقبت‌های پزشکی و خدمات اجتماعی است...» (۴). همچنین به موجب ماده ۱۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی «... کشورهای عضو این میثاق با اذعان به حق اساسی هر کس به این که از گرسنگی فارغ باشد، باید به صورت مجزا و از طریق همکاری بین‌المللی، تدابیر لازم از جمله برنامه‌های مشخصی را به قرار ذیل اتخاذ نمایند: بهبود روش‌های تولید، حفظ و توزیع خواربار با استفاده کامل از معلومات فنی و علمی، تأمین و توزیع منصفانه ذخایر خواربار جهان» (۱۹).

در این راستا، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نظرهای کلی را در خصوص غذا در ابعاد مختلف بیان نموده است، از جمله: غذای فراهم‌شده بایستی نیازهای افراد را هم از منظر کیفی و هم از منظر کمی برآورده سازد؛ غذا بایستی عاری از ماده مضر باشد و مردم بایستی دسترسی طولانی‌مدت و مداوم به غذا داشته باشند (۲۰). حق غذا همچنین استانداردهای هنجاری برای کافی‌بودن، سودمندبودن و در دسترس‌بودن غذا را دربر می‌گیرد (۲۱). مفاد پیش‌نویس مسؤولیت دولت که به طور موقت توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل در اولین قرائت آن به تصویب رسید، نیز تصریح می‌کند «... اقدامات برای جبران خسارت نباید تحت هیچ شرایطی منجر به محروم‌کردن جمعیت یک کشور از وسایل امرار معاش خود شود» (۲۲). کمیسیون بعداً این مفاد را به نفع چندین ارجاع به اصل تناسب حذف کرد (۲۳)، اما اظهارات جیمز کرافورد، گزارشگر ویژه کمیسیون روشن می‌کند که کمیسیون این اصل عمومی حقوق بین‌الملل را که «اقدامات متخذه در چارچوب روابط بین دولت‌ها نباید به گونه‌ای باشد که تهدید به گرسنگی مردم یک کشور نماید»، پذیرفته است (۲۴). تهدید به گرسنگی گسترده از جمله آثار و تبعاتی است که تناسبی با اهداف تحریم‌های اقتصادی ندارد. مشروع‌انگاری اعمال

تحریم‌های اقتصادی در برخی شرایط نیز نمی‌تواند بر ایراد عدم تناسب تحریم‌ها با هدف‌های اعمال آن‌ها خدشه‌ای وارد سازد (۲۵).

«ظریف» استدلال می‌کند که محرومیت‌هایی نظیر تحدید حق بر غذا می‌تواند تحت قوانین حقوق بشر بین‌المللی، به عنوان روشی جنگی تلقی شده و گرسنگی جمعیت غیر نظامی نیز می‌تواند به عنوان نسل‌کشی در نظر گرفته شود (۲۶). کمبود غذا و تغذیه به تنهایی عمل نمی‌کند، بلکه با شکست‌های زیرساختی که به طور عمده مربوط به تحریم‌ها است ترکیب می‌شود تا در کاهش استانداردهای سلامتی نقش داشته باشد. روشن‌ترین شاخص این موضوع، آماری است که در آن نرخ مرگ و میر نوزادان و کودکان در طول دوره تحریم‌ها افزایش یافته است (۲). به موجب تصریح و تأکید کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، «حق بر غذا» که برای اجرای سایر اقسام حقوق بشر ضروری است، نباید از مسیر اتخاذ تحریم غذایی یا اقدامات مشابه که شرایط را برای تولید غذا و دسترسی به غذا در سایر کشورها به خطر می‌اندازد، محدود گردد (۲۷).

۳- حق بهداشت و سلامتی

حق بهداشت و سلامتی در اسناد مختلف بین‌المللی مورد شناسایی و تأکید قرار گرفته است. برابر ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، هر فردی حق برخورداری از یک زندگی مناسب از جمله سلامتی و مراقبت‌های پزشکی را دارد (۴). ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی نیز حق هر فرد برای دستیابی و برخورداری از بالاترین وضعیت سلامت جسمی و روحی را به رسمیت می‌شناسد (۱۹). همچنین این حق در ماده ۱۲ کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان، ماده ۲۴ کنوانسیون حقوق کودک و ماده پنج کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض نژادی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. اساسنامه سازمان بهداشت نیز حق بهداشت و سلامتی را صرفاً در عدم وجود بیماری و ناتوانی نمی‌بیند. سلامت از منظر این سازمان، وضعیت رفاه کامل فیزیکی، روانی و اجتماعی است (۲۸). مقدمه اساسنامه سازمان بهداشت جهانی نیز تصریح می‌کند که بهره‌مندی از بالاترین استانداردهای قابل دستیابی سلامت بدون تبعیض از حیث نژاد، مذهب، عقیده، سیاسی، شرایط اقتصادی یا اجتماعی، یکی از حقوق بنیادین هر بشر است (۲۸).

دولت‌های عضو میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در قبال حق سلامتی و بهداشت، سه سطح تعهد دارند: ۱- بایستی به حق سلامتی با خودداری از نقض مستقیم آن مانند تبعیض سیستماتیک در نظام بهداشت و درمان احترام بگذارند؛ ۲- بایستی از این حق در برابر مداخله کشورهای ثالث از طریق اقداماتی مانند مقررات محیطی کشور ثالث حمایت نمایند؛ ۳- بایستی این حق را با اتخاذ اقدامات مناسب اجرا نمایند (۲۹).

داروها یکی از جنبه‌های مشهود و ضروری حق سلامت هستند. تحریم‌های یک‌جانبه و ثانویه که علیه تعدادی زیادی از کشورهای در حال توسعه تحمیل شده‌اند، بر استانداردهای شهروندان در آن کشورها به واسطه غیر قابل دسترس شدن و عدم توانایی در تهیه داروهای مورد نیاز، داروهای حیاتی و تجهیزات پزشکی، به شدت اثر گذاشته‌اند.

یکی دیگر از شاخص‌های حق سلامت و بهداشت، دسترسی به آب آشامیدنی سالم است. با توجه به این که دوسوم بدن از آب تشکیل شده است، ضرورت استفاده از آب آشامیدنی سالم برای ادامه حیات بر هیچ کس پوشیده نیست. آب آلوده، عامل بسیاری از مرگ و میرها در دنیاست. مصرف آب ناسالم علاوه بر مرگ و میر کودکان، می‌تواند منجر به آسیب‌های همیشگی در رشد جسمی و عقلی آن‌ها شود (۳۰). آب، یک مسأله اصلی از جمله در کشورهای تحت تحریم است و برای هر یک از طرح‌ها و برنامه‌های تأمین آب آشامیدنی مردم، تحریم‌ها قادرند مشکل ایجاد کنند (۳۱).

محیط زیست سالم و پاک نیز یکی دیگر از شاخص‌های حق بهداشت و سلامت می‌باشد. امروزه بهره‌مندی انسان از محیط زیست سالم، یک حق بنیادین است. تحریم علمی، فنی و اقتصادی کشورها، روند آسیب به محیط زیست را تسریع می‌نماید. افزایش انواع آلودگی‌ها و عدم توانایی کافی در استفاده بهینه از ظرفیت‌های بین‌المللی، روند پاسخگویی مناسب به مشکلات زیست محیطی را کند نموده و این امر خود منجر به کاهش کیفیت حیات و سلامتی مردمان کشورهایی خواهد شد که در معرض تحریم قرار دارند (۳۲).

۴- حق توسعه

تصویب قطع‌نامه ۱۱۶۱ مجمع عمومی به مثابه یک گام مهم در جهت شناسایی «حق توسعه» به شمار آمده و به موجب آن، یک توسعه متعادل و یکپارچه اقتصادی و اجتماعی به ارتقای حفظ صلح و امنیت، پیشرفت اجتماعی، استانداردهای بهتر زندگی و رعایت احترام به

حقوق بشر و آزادی‌های اساسی کمک خواهد کرد (۳۳). این حق در کنفرانس حقوق بشر ۲۲ آوریل تا ۱۳ می ۱۹۶۸ در تهران نیز مورد بررسی و تبیین قرار گرفت و در طی آن، بهره‌مندی از حقوق اقتصادی و اجتماعی و تحقق حقوق بشر، به طور ذاتی مرتبط با توسعه اقتصادی اعلام گردید (۳۴). همچنین مجمع عمومی در قطع‌نامه ۲۵۴۲ در طی تصویب اعلامیه پیشرفت اجتماعی و توسعه، بر ضرورت همراهی این مقوله با هدف افزایش مداوم استانداردهای معنوی و مادی زندگی تمامی اعضای جامعه و با احترام و پایبندی به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی تأکید نموده است (۳۵). در این راستا، کمیسیون حقوق بشر نیز در قطع‌نامه شماره چهار خود در سال ۱۹۷۷، بر ضرورت عنایت ویژه به مسأله بررسی موانع تحقق کامل حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به ویژه در کشورهای در حال توسعه تأکید نمود و «حق توسعه» را به عنوان یک حق بشری مورد شناسایی قرار داد (۳۶).

این حق در اعلامیه حق توسعه ۱۹۸۶ سازمان ملل متحد که طی قطع‌نامه ۴۱/۱۲۸ مجمع عمومی تصویب شد نیز اعلام گردید. به موجب بند یک ماده یک این اعلامیه، حق توسعه به عنوان یک حق غیر قابل تفکیک بشری است که مشارکت عمومی مردم در تسهیل توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی یک ضرورت اجتماعی است که به نوعی پیش‌شرط تحقق آزادی‌های اساسی و تمامی حقوق بشر نیز به شمار می‌رود. به موجب این اعلامیه، حق بر توسعه مشتمل بر حق حاکمیت بر منابع طبیعی، حق تعیین سرنوشت، مشارکت مردمی در توسعه، برابری فرصت‌ها، ایجاد شرایط مطلوب برای بهره‌مندی از دیگر حقوق، حق صلح و سهم‌شدن در منافع پیشرفت علمی است (۳۷). در کنفرانس جهانی حقوق بشر ۱۹۹۳ نیز به اتفاق «حق توسعه» به عنوان یک حق جهانی و غیر قابل تفکیک و جزئی لاینفک از حقوق اساسی بشر تلقی گردید (۳۸). همچنین به موجب بیانیه پایانی کنفرانس محیط زیست و توسعه ملل متحد ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو، بشر مرکز نگرانی‌های توسعه پایدار است و ذی‌حق یک زندگی سالم و پربر در هماهنگی با طبیعت می‌باشد. به منظور دستیابی به توسعه پایدار، حفاظت از محیط زیست باید بخش لاینفکی از فرایند توسعه باشد. دولت‌ها و مردم باید در فقرزدایی، به عنوان یک الزام ضروری در جهت توسعه پایدار همکاری نمایند (۳۹).

امروزه حق بر توسعه به یک موضوع پیچیده بین‌المللی تبدیل شده و این پیچیدگی تا حدودی ناشی از تقابل مسأله «ضرورت همبستگی بین‌المللی» به عنوان مبنای تعهد دولت‌ها بر

تلاش در مسیر توسعه اقتصاد جهانی با مسأله «تحریم‌های اقتصادی (توسط شورای امنیت و یک‌جانبه)» است. با عنایت به آنکه اثرگذاری تحریم‌ها ارتباط مستقیمی با مسأله «نسبی بودن قدرت میان کشورهای درگیر در تحریم» دارد، از این رو قواعد و مقررات تحریمی به طور کلی علیه کشور ضعیف اعمال می‌شود، نه کشوری که از قدرت بیشتری برخوردار است. در واقع از آنجا که تحریم‌های اقتصادی مانع از دستیابی به دانش، فناوری، دسترسی به تجارت آزاد و سیستم‌های مبادلات بانکی ضروری برای توسعه می‌شوند، مانعی برای تحقق توسعه قرار خواهند گرفت (۴۰). کشوری که در شرایط تحریم قرار می‌گیرد، نمی‌تواند سهم مناسبی از بازارهای بین‌المللی را به خود اختصاص دهد و با کاهش شدید عرضه منابع و عوامل تولید در اقتصاد مواجه شده و کاهش سهم اقتصاد از بازارهای جهانی منتهی به کاهش رشد اقتصادی کشور مورد هدف تحریم‌ها خواهد شد (۴۱).

۵- حق آموزش

آموزش به مثابه یک حق اساسی بشری و توانمندساز و پیش‌شرطی ضروری برای اعمال سایر حقوق بشری و نیز زمینه‌ساز برخورداری فرد از توانایی‌ها و استعدادهايش به شمار می‌رود (۴۲). بر اساس ماده یک توصیه‌نامه یونسکو در خصوص آموزش برای مفاهمه، همکاری و صلح بین‌المللی و آموزش در ارتباط با حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، منظور از «آموزش»، یادگیری تمامی فرایندهای زندگی اجتماعی است که افراد و گروه‌های اجتماعی به منظور پرورش آگاهانه در جهت بهره‌مندی از همه توانایی‌ها، استعدادها، گرایش‌ها و دانش شخصی فرا می‌گیرند. بر طبق بند دو ماده یک کنوانسیون ضد تبعیض در آموزش یونسکو نیز، مقوله آموزش مرتبط با تمامی انواع و سطوح آموزش بوده و دسترسی به آموزش استاندارد و کیفیت و شرایط ارایه آن در این بند اشاره شده است (۴۳). بر طبق نظر کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازمان ملل متحد، حق آموزش مظهر جدایی‌ناپذیری و وابستگی متقابل تمامی حقوق بشر به شمار می‌رود (۴۲). وابستگی حق آموزش به اقتصاد خرد و کلان جامعه، امری است که به واسطه تحریم‌های اقتصادی می‌تواند تحت تأثیر قرار گیرد. تحریم‌های اقتصادی می‌تواند زمینه افزایش بی‌سوادی، ترک تحصیل، تخریب و تضعیف ساختارها، زیرساخت‌ها و امکانات آموزشی مدرن مانند اینترنت و آموزش‌های مجازی را فراهم نماید.

در این راستا، محدود نمودن و ممنوع نمودن «آموزش‌های تخصصی اتباع کشورهای هدف» و از جمله ایجاد محدودیت برای ایرانیان خواستار تحصیل در رشته‌های مرتبط با مباحث هسته‌ای، مغایر با اسناد بین‌المللی مربوطه بوده و نوعی تبعیض در حق آموزش محسوب می‌شود. این محدودیت همان‌گونه که بند «الف» ماده یک کنوانسیون عدم تبعیض در آموزش یونسکو بیان می‌کند، «محروم کردن هر فرد یا گروهی از افراد از دسترسی به هر نوعی از سطح آموزش تلقی می‌گردد» (۱۰). در تأیید این نظر می‌توان به رأی دادگاه و دیوان عالی هلند در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ اشاره نمود. وکلای دانشجویان ایرانی شاغل به تحصیل در دانشگاه‌های هلند شکایتی را علیه وزارتخانه‌های امور خارجه و آموزش، فرهنگ و علمی در خصوص تبعیض بر اساس ملیت علیه این دانشجویان، به دادگاه هلند (لاسه، بخش حقوق مدنی) ارائه کردند. دادگاه هلند (لاسه) در سه فوریه ۲۰۱۰ تحریم علیه دانشجویان ایرانی را تبعیض بر مبنای ملیت و غیر قابل قبول دانست. دادگاه تجدید نظر نیز در ۲۶ آوریل ۲۰۱۱ رأی دادگاه بدوی (سه فوریه ۲۰۱۰) را تأیید نمود. دیوانعالی نیز در رأی ۱۴ دسامبر ۲۰۱۲ خود آرای دادگاه بدوی و دادگاه تجدید نظر را ابرام کرد (۴۴).

۶- حق بر خورداری از استانداردهای مناسب زندگی

بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر، هر فردی حق دارد سطح زندگی، سلامتی و رفاه خود و خانواده‌اش را از حیث خوراک، مسکن، مراقبت‌های طبی و خدمات لازم اجتماعی تأمین کند (۴). این حق در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به صورت مفصل‌تری مطرح شده (۱۹) و اعضای این میثاق، حق فرد و خانواده‌اش را در دارا بودن سطح مناسب زندگی و ارتقای مداوم این شرایط به رسمیت شناخته و تعهد خود را به اتخاذ تدابیری مقتضی در این خصوص اعلام کرده‌اند. تحریم‌ها با تأثیر منفی بر تولید، اشتغال و درآمد ملی، باعث بازدهی کم اقتصادی، توزیع کم و غیر عادلانه کالا و خدمات و ایجاد بی‌نظمی و شکاف اجتماعی گردیده و در مجموع، سطح زندگی و معیشت مردم را کنترل و آن‌ها را از داشتن استانداردهای مناسب زندگی محروم می‌کند (۸).

۷- تحریم اشخاص حقیقی و نقض حق دادرسی عادلانه

نقطه اشتراک همه تحریم‌ها این است که تمام آن‌ها علیه «دولت» به کار برده شده‌اند. تاریخ روابط بین‌الملل نشان داده است که تحریم‌های سنتی، دولت مورد تحریم را کاملاً تحت فشار

قرار نمی‌دهد، بلکه موجب فشار به شهروندان و گروه‌های غیر دولتی می‌شود. برای جلوگیری از این آسیب، مفهوم «تحریم هوشمند (Smart Sanctions)» ابداع شد که طبق آن، تحریم فقط بر موضوع تحریم اعمال می‌شود و فشار بر شهروندان عادی کاهش می‌یابد. یکی از نتایج تأسیس حقوقی تحریم هوشمند، شکل‌گیری مفهومی جدید در حقوق بین‌الملل، تحت عنوان «تحریم اشخاص حقیقی» است. موضوع این تحریم‌ها شامل تحریم‌های مالی، مسافرتی، تحصیلی و... می‌شود.

درباره مشروعیت تحریم‌ها علیه اشخاص، ماده ۴۱ منشور ملل متحد تحریم اشخاص حقیقی را در راستای حفظ یا اجرای صلح و امنیت بین‌المللی منع نکرده است. با این حال، اشاره منشور به قطع روابط نظامی، اقتصادی و ارتباطی نشان می‌دهد تدوین‌کنندگان منشور، با نظر به تحریم دولت، آن را نگاشته‌اند، وگرنه باید از مواردی چون تحریم مالی و مسافرتی نیز نام برده می‌شد. برخی معتقدند موارد مذکور در این ماده احصایی نیست، بلکه تمثیلی است و شورای امنیت برای رسیدن به هدف مذکور در ماده ۳۹ می‌تواند از هر روشی استفاده کند. با این حال، این اختیار به اصولی چون حسن نیت، عدم سوء استفاده از حق و رعایت قواعد آمره مرتبط خواهد شد (۸). قراردادن نام یک فرد در فهرست اشخاص یا نهادهای تحت تحریم‌های سازمان ملل، موجب دخالت در حقوق شخص و زندگی شخصی و خانوادگی او می‌شود. اعتبار و تصویر فرد در اثر این اقدام و در اثر اجرای اقدام محدودیت‌آمیز، تحت تأثیر قرار می‌گیرد (۴۵).

آزادی رفت و آمد و حق انتخاب اقامتگاه (به عنوان حق فرعی آزادی رفت و آمد)، یکی از حقوق بشر است که در ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ذکر شده است. تحریم مسافرتی می‌تواند مستقیم بر حق بر سلامت و حق بر حیات در مواردی که به کمک‌های پزشکی نیاز باشد، اثرگذار باشد (۴۶).

اصل دسترسی به عدالت یا حق بر رسیدگی عادلانه نیز یکی از اصول حقوق بشر است که در ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و سایر اسناد منطقه‌ای تأیید شده و شامل حق بر اطلاع، حق بر دفاع و حق بر تجدید نظر قضایی می‌شود. طبق این اصل، لازم است تا امکان بررسی قضایی تصمیمات موجد تحدید حقوق افراد توسط دولت‌ها فراهم شود، هرچند شورای امنیت تلاش کرد با ایجاد یک نهاد شبه قضایی، یعنی کمیته‌های تحریم، در تحقق حق بر دادرسی عادلانه تلاش نماید، اما نتوانست رضایت بسیاری از نهادهای حقوقی و دولتی را جلب

نماید. در ابتدا، تشکیل کمیته‌های تحریم، تعهد ناشی از قطع‌نامه‌های تحریم نبوده، بلکه صرفاً تعهد سیاسی است؛ دوم، کمیته‌های تحریم، اسناد مربوط به تحریم اشخاص را منتشر نمی‌سازند که این امر، مانعی در تجدید نظر قضایی از سوی محاکم ملی و منطقه‌ای می‌شود؛ سوم، در صلاحیت شورای امنیت برای تشکیل نهادهای قضایی و شبه قضایی تردیدهایی وجود دارد (۴۶).

بررسی رویه ارکان اتحادیه اروپا نیز در این زمینه حائز اهمیت است. صیادی، یک بلژیکی متولد لبنان و همسر بلژیکی وی، مدیران محلی (شعبه اروپایی) یک انجمن آمریکایی به نام «بنیاد امداد جهانی (Global Relief Foundation)» بودند که تحت قطع‌نامه ۱۲۶۷ (۱۹۹۹ م.) شورای امنیت در سال ۲۰۰۲ در فهرست تحریم‌ها قرار گرفتند و به دنبال آن در سال ۲۰۰۳ نیز بعد از آغاز رسیدگی کیفری علیه صیادی در بلژیک، اسامی وی و همسرش در فهرست ضمیمه مقررات جامعه اروپا در اجرای قطع‌نامه‌های شورای امنیت در اتحادیه اروپا قرار گرفت (۴۷). در اثر این اقدام، سرمایه‌های ملی آنان بلوکه شد و از انجام سفر در سطح بین‌المللی منع شدند. دادگاهی در بلژیک در سال ۲۰۰۵ دولت این کشور را ملزم کرد که اسامی آنان را از فهرست تحریم‌ها خارج کند و در نتیجه، فرایند حذف آنان از فهرست تحریم‌ها امتناع کرد که به دنبال مراجعه سازمان ملل از خروج صیادی و همسرش از فهرست تحریم‌ها امتناع کرد که به دنبال مراجعه خانواده صیادی به کمیته حقوق بشر که تحت ماده ۲۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ایجاد شد، این کمیته نیز اقدام کمیته تحریم را نقض ماده ۱۲ (آزادی جا به جایی) و ماده ۱۷ (حق حریم شخصی) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی دانست و از بلژیک خواست تا ظرف شش ماه اقدامات خود را برای اثربخشی به نظرات کمیته گزارش نماید (۴۸). پیام کمیته حقوق بشر آشکار است: اول این‌که در نظر اکثریت اعضای کمیته، شورای امنیت در انجام وظایف خود بدون توجه به حقوق بشر ضمانت‌شده از نظر حقوق بین‌الملل آزاد نیست؛ دوم این‌که اعضای سازمان ملل باید امکان نقض حقوق بشر به هنگام اجرای تحریم‌های شورای امنیت را در نظر بگیرند؛ سوم این‌که اعضای سازمان ملل باید قبل از پیشنهاد گنجاندن اسامی اشخاص در فهرست‌های تحریمی، دقت بیشتری به خرج دهند.

آثار حقوقی وضع تحریم‌های ناقض حقوق بشر

حقوق بشر بین‌المللی مقرر می‌دارد که هر دولتی به حقوق بشر شهروندان خود احترام بگذارد و دیگر ملت‌ها نیز حق و مسؤولیت دارند که تضمین نمایند این تعهد رعایت شود (۴۹). نظر قوی وجود دارد که تحریم‌های همه‌جانبه سازمان ملل، معیار منشور ملل متحد بوده و استانداردهای حقوق بشر آن را نقض می‌نمایند. منشور ملل متحد، اختیارات لازم را به مجمع عمومی و شورای امنیت واگذار نموده است. فصل پنجم منشور ملل متحد نیز اختیارات و محدودیت‌های شورای امنیت را تبیین می‌کند. به هر حال، منشور ملل متحد به هیچ ارگان سیاسی یا قضائی مستقل بین‌المللی، این اختیار را نمی‌دهد که تصمیمات شورای امنیت را مورد بررسی قضایی قرار دهند (۵۰).

از سوی دیگر، وضع و اعمال تحریم‌های ناقض حقوق بشر، فاقد مشروعیت حقوقی می‌باشد. عدم مشروعیت حقوقی این‌گونه تحریم‌ها، دو نتیجه را در پی دارد: عدم الزام کشورها به رعایت این تحریم‌ها و ایجاد مسؤولیت بین‌المللی برای سازمان ملل و شورای امنیت و دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر. در ماده ۲۵ منشور مقرر شده است «اعضا موافقت می‌نمایند که تصمیمات شورای امنیت بر طبق منشور را قبول و اجرا نمایند.» مفهوم این ماده، این است در صورتی که تصمیمات شورای امنیت از جمله تحریم‌ها بر طبق منشور نباشد، مثلاً اهداف و اصول سازمان ملل را نقض کند، کشورها الزام قانونی به قبول و اجرای آن تصمیمات ندارند. اثر حقوقی قطع‌نامه یک رکن بین‌المللی، منوط به صلاحیت آن رکن می‌باشد و در صورت اتخاذ تصمیم در تعارض با معاهده مؤسس و صلاحیت‌های مقرر در آن، عمل خارج از حیطه وظایف و اختیارات قلمداد شده و اثر بر آن مترتب نمی‌باشد (۸).

سازمان‌های بین‌المللی به لحاظ برخورداری از حقوق و تکالیف در سطح بین‌المللی، دارای شخصیت حقوقی مستقل از اعضا بوده و از اهلیت حقوقی برای انجام وظایف خود برخوردارند. وجود شخصیت حقوقی برای سازمان‌های بین‌المللی، صلاحیت برخورداری از حقوق و وظایف را به دنبال دارد. از سوی دیگر، وقتی یک سازمان شخصیت حقوقی مستقل از اعضا دارد، باید از مسؤولیت بین‌المللی در قبال تخلف از وظایفش نیز برخوردار باشد. بر اساس ماده ۲ طرح مسؤولیت دولت‌ها، برای تحقق مسؤولیت بین‌المللی وجود دو عنصر نقض تعهد بین‌المللی و قابلیت انتساب لازم است. در بحث نقض حقوق بشر در اثر تحریم‌ها، هر دو رکن مسؤولیت

بین‌المللی وجود دارد. با وضع و اعمال تحریم‌هایی که نقض حقوق بشر از طریق آن‌ها مسلم است، با توجه به مقررات و الزاماتی که در زمینه رعایت حقوق بشر وجود دارد، عنصر اول مسؤولیت بین‌المللی یعنی نقض تعهد، تحقق می‌یابد. شورای امنیت به لحاظ مقررات منشور نمی‌تواند تحریم‌هایی وضع کند که اصول و اهداف سازمان ملل را نقض کند. در مورد عنصر دوم، یعنی قابلیت انتساب تخلف از تعهدات بین‌المللی در موضوع تحریم‌های ناقض حقوق بشر، سازمان‌های بین‌المللی همانند دولت‌ها، اشخاص طبیعی و حقیقی نیستند، بلکه در عالم واقع ارگان‌ها و کارمندان یک سازمان از طرف آن انجام وظیفه می‌کنند و بر این اساس، اعمال ارگان‌های یک سازمان بین‌المللی که در مقام انجام مسؤولیت قرار می‌گیرد، به آن سازمان منتسب است. بنابراین مسؤولیت ناشی از نقض حقوق بشر در تحریم‌ها که توسط اعضای شورای امنیت اعمال می‌شود، به شورای امنیت و سازمان ملل منتسب است و این سازمان در وضع و اعمال این تحریم‌ها، دارای مسؤولیت بین‌المللی بوده و ملزم است نتایج ناشی از این مسؤولیت از جمله لزوم پایان این نوع تحریم‌ها و اعاده وضع به حالت سابق، لزوم جبران خسارت ناشی از نقض حقوق بشر و سایر نتایج را بر عهده گیرد (۸).

نتیجه‌گیری

احترام به موازین بین‌المللی حقوق بشر و تضمین آن، امروزه از زوایای مختلف مورد توجه سازمان‌های بین‌المللی و در رأس آن، سازمان ملل متحد قرار گرفته و از یک «قاعده عرفی بین‌المللی» به «تعهد بین‌المللی و جهانی غیر قابل تخطی» تبدیل شده است. اعمال تحریم‌های اقتصادی تحمیلی و قهرآمیز بر دولت‌ها به مثابه یکی از اشکال نقض جوانب مختلفی از حقوق بشر به شمار آمده و خسارت‌های موازی و تأثیرهای مضاعفی بر شهروندان ساکن کشورهای مورد تحریم بر جای می‌گذارد که چه بسا نتایج حاصل از اعمال این تحریم‌ها، بی‌شبهت به استفاده از ابزارهای جنگی و مسلحانه نباشد. از این رو بوده است که کاربست تحریم‌های اقتصادی از سوی شورای امنیت و یا از سوی دولت‌ها به نحو یک‌جانبه، به عنوان بدیلی برای اقدامات و تدابیر نظامی قهرآمیز گزینش شده است.

شورای امنیت سازمان ملل متحد مکلف است به هنگام کاربست تحریم‌های اقتصادی در قبال یک یا چند دولت، ولو در مواقع تحریم‌هایی که از آن‌ها تحت عنوان «تحریم‌های هوشمند»

یاد می‌شود، حقوق بشر را رعایت نماید و آثار تحریم‌ها بر زیرساخت‌های حیاتی و عمومی دولت مورد تحریم و نیز آثار تحریم‌ها بر ایجاد درد و رنج در جمعیت کشور را محاسبه نماید و نباید اعمال این تحریم‌ها، منتهی به وقوع بحران بشردوستانه در کشور مورد تحریم نظیر سوء تغذیه، افزایش آمار مرگ و میر نوزادان به هنگام تولد، افول بهداشت عمومی، کاهش شدید نرخ اشتغال قرار گیرد.

به طور کلی، رعایت حقوق بشر در مواردی که مشتمل بر حقوق بین‌الملل عرفی و قواعد امره باشد، حتی برای کشورهایی که عضو معاهدات حقوق بشری نیز نمی‌باشند، ضروری است. اعمال تحریم‌های اقتصادی نمی‌تواند یک اختیار وسیع برای کشورها و شورای امنیت تلقی شود، به ویژه آنکه ناکارآمدی آن در قبال دستیابی به اهداف سیاست خارجی نیز ثابت شده است. تئوری مبنای اعمال تحریم‌های اقتصادی این است که فشار اقتصادی به غیر نظامیان، به فشار بر دولت برای تغییر منجر خواهد شد که این تئوری، ناکارآمدی خود را نشان داده است. به عبارتی، حق تحمیل تحریم‌ها نامحدود نیست و تلاش برای محدود کردن تحریم‌ها در ذات کاربرد عمومی حقوق بین‌الملل، گامی در جهت استانداردسازی حقوق بین‌الملل و پیشگیری از وقوع پیامدهای منفی تحریم‌های اقتصادی بر بهره‌مندی از حقوق بشر خواهد بود. از این رو به عنوان نتیجه پایانی این مقاله، تحریم‌های اقتصادی مغایر روح حقوق بشر بوده و از زوایای مختلف، شهروندان عادی کشور تحت تحریم را در معرض درد و رنج قابل ملاحظه‌ای قرار می‌دهند که خود به مجازات جمعی منجر می‌شود.

References

1. Sukback B. Economic Sanctions against Human Rights violations. Cornell Law School Inter-University Graduate Student Conference Papers. Paper 11; 2008. p.22-59.
2. Asian-African Legal Consultative Organization. Unilateral and Secondary Sanctions. New Delhi: AALCO; 2013. p.145-173.
3. Charter of the United Nations. 1945. Preamble.
4. Universal Declaration of Human Rights. 1948, Article 25.
5. Wall C. Human Rights and Economic Sanctions: The New Imperialism. Fordham International Law Journal 1998; 22(2): 579.
6. Cleveland SH. Norm Internalization and U.S Economic Sanctions. Yale Journal of International Law 2001; 26: 2.
7. Report of the Panel Established Pursuant to the Note by the President of the Security Council Concerning the Current Humanitarian Situation in Iraq. 1999. UN. Doc. S/1999/346, Annex II.
8. Zamani SG, Zanganeh Shahraki J. International Sanctions Violating Human Rights: from the Challenge of Legal Legitimacy to International Accountability. Rahbourd Journal 2013; 67: 33-61 [Persian].
9. Wittich S. Targeted Sanctions and Accountability of the United Nations Security Council. Austrian Review of International and European Law 2008; 13: 34-68.
10. Committee on Economic, Social and Cultural Rights: General Comment 11 on Plans of Action for Primary Education. Geneva: Twentieth Session; 1999.
11. Momeni M. Articles Presented to the Seminar on Legal Aspects of Security Council International Sanctions. Tehran: Majd Scientific and Cultural Association; 2013. p.121-199. [Persian]
12. UNICEF Report on Situation Analysis of Children and Women Iraq [Internet]. 1980. Available at: <http://www.childinfo.org/Other/Iraq-sa.pdf>. Access January 09, 2017. [Cited 2017, January 13].
13. Commands F, Menno TK. Extraterritorial Application of Human Rights. Antwerp: Alford; 2004. p.249.

14. Mousavi SF, Jokar F. United States Unilateral Sanctions against Iran: Contradiction in Words and Action and Politicization of Human Rights. *Public Law Research Journal* 2014; 16(44): 149-173. [Persian]
15. Human Rights Committee General Comment 29 on States of Emergency. 2001. U.N. Doc. CCpr/c/21/Rea.1/Add.11.
16. The UNGA Human Rights Commentary on the Right to Life. 1982. Supra note 40 and Para 5 at General Comment No.6. U.N. Doc. A/37/40.
17. Yamin AE. Not Just a Tragedy: Access to Medication as Right under International Law. *Boston University International Law Journal* 2003; 21(2): 325-371.
18. De wet E. Human Rights Limitations to Economic Enforcement Measures under Article 41 of the U.N Charter and the Iraqi Sanctions Regime. *Leiden Journal of International Law* 2001; 14(1): 200-277.
19. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights. 1966. Art. 11-12.
20. United Nations Office of the High Commissioner for Human Rights. Fact Sheet no. 34 on the Right to Adequate Food; 2010.
21. Sollner S. The Breakthrough of the Right to Food: the Meaning of General Comment No. 12 and the Voluntary Guidelines for the Interpretation of the Human Rights to Food. *Max Planck Yearbook of the United Nations Law* 2007; 11: 391-415.
22. Draft Articles on State Responsibility Provisionally adopted by the ILC at its 245th Meeting on 12 July 1966. *Yearbook of the ILC* 1996; Vol.2 Part 2, Art. 42(3). A/CN.4/SER.A/1996/Add.1.
23. Draft Articles on State Responsibility Provisionally Adopted by the Drafting Committee on Second Reading. 2000. A/CN.4/SR.2662.
24. Crawford J. Third Report on State Responsibility. ILC Second Session; March 15, 2000. A/CN.4/507, p.19.
25. Forlati L, Picchio S. *Economic Sanctions in International Law*. Leiden/Boston: Martinus Nijhoff Publishers; 2004. p.515.
26. Zarif MJ. Extraterritorial Sanctions in International Law; in AALCO'S Report of the Tehran Seminar on the Extraterritorial Application of National Legislation: Sanctions Imposed against Third Parties; 1998. p.8. [Persian]

27. Committee on Economic, Social and Cultural Rights General Comment No.12 on Right to Adequate Food. E/C.12/1999/5. 1999. Paras 1-4.
28. WHO Constitution. 1946. Preamble.
29. Yamin AE. The Right to Health under International Law and Its Relevance to the U.S. AMJ Public Health 2005; 95(7): 1156.
30. Alekhabaf H, Ansarian M. The Impact of Unilateral Sanctions on Iran from the Perspective of Right to Safety for Iranian Citizens. Medical Rights Journal 2014; 8(29): 33. [Persian]
31. Sanctions Will Really Affect the Drinking Water for People. 2015. Available at: www.setarehnews.com. Accessed January 20, 2017. [Persian] [Cited 2017, January 15].
32. Collection of Articles of Second International Conference on Economy in Sanctions Situations. Babolsar: Taroud Electronic Publications; 2014. p.12. [Persian]
33. General Assembly Resolution 1161 (XII) on Balanced and Integrated Economic and Social Progress. Adopted on November 26, 1957. A/Res/12/1161.
34. Final Outcome Document of the UN International Conference on Human Rights in Tehran. April 22-May 13, 1968.
35. General Assembly Resolution Declaration on Social Progress and Development. Adopted on December 11, 1969. A/Res/24/2542.
36. Commission on Human Rights Resolution 4 (XXXIII). Adopted on February 21, 1977.
37. Declaration on the Right to Development. Adopted on December 4, 1986 by the UNGA. A/Res/41/128.
38. Vienna Declaration and Program of Action. Adopted by the World Conference on Human Rights in Vienna on June 25, 1993.
39. Rio Declaration on Environment and Development. Adopted on June 14, 1992.
40. Polasaeidi P. Sanction and its Impact on Right to Development. Shahre Ghanon Journal 2013; 2: 193-195. [Persian]

41. International Sanctions Violating Right to Development. August 13, 2012. Available at: www.fa.odvv.org. Accessed January 20, 2017. [Persian] [Cited 2017, January 17].
42. Habibi Mogende M, Abdolmaleki M, Mousavi SZ. Economic Sanctions and Violation of Right to Education. *Human Rights Journal*. 2012; 7(1): 4-24 [Persian]
43. Convention against Discrimination in Education. 1960. Para 2, Art.1.
44. Court of The Hague, Cases Numbers 334949/HAZA 09-1192, LJNBL 1862 (3 Feb 2010); 200063360/01, LJNBQ4781 (26 April 2011); 11/03521, BX8351 (14 December 2012).
45. Fassbender B. *Securing Human Rights? Achievements and Challenges of the U.N. Security Council*. London: Oxford University Press; 2011. p.103.
46. Ziae SY, Mohammadi A. Sanctioning Private Individuals from the Perspective of International Law with Emphasis on Iranian Nationals Sanctions. *Justice Law Journal*. 2014; 78(88): 165-169. [Persian]
47. European Commission Regulation 145/2003 Amending Council Regulation 881/2002, DJ 2002, L.139/9. Adopted on May 29, 2002.
48. Zai Kos N. *The Diversity of International Law*. Leiden: Martinus Nijhoff Publishers and VSP; 2009. p.210.
49. Peggy K. Is the Continued Use of Sanctions as Implemented Against Iraq a Violation of International Human Rights. *Denver Journal of International Law and Policy*. 1999-2000; 28: 384-400.
50. Thier A. Between Iraq and a Hard Place: The Paradoxes of U.S-Iraq Policy. *The Fletcher Forum of World Affairs*. 1999; 23: 193-197.